

سه گوی

که

نمایشگاه

همچنان کاوند

محمود فیرخواه

سرشناسه	:	خیرخواه، محمود، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	سه گاوی که همچنان گاوند: نمایشنامه/محمود خیرخواه.
مشخصات نشر	:	تهران: اساطیر پارسی: کاوش قلم، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۵۰ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۹۰-۸۶-۷-۱۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی:	:	فیفا
موضوع	:	نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴
موضوع ۲	:	۲۰th century - Persian drama
بندی ککره	:	PIR۸۳۴۲
بندی دبیر	:	۸فا۲/۶۲
شماره کتابخانه ملی:	:	۶۴۷۴۵۲۸



نشر اساطیر پارسی - کاوش قلم

سه گاوی که همچنان گاوند (نسخه اولیه)

محمود خیرخواه

گرافیسیت: فروزان جلیلی

چاپ اول: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۹۰-۸۶-۷-۱۵۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

تهران - خیابان ولیعصر - بالاتر از زرتشت - کوچه نوربخش - پلاک ۱۰

تلفن: ۰۹۱۲ ۱۹۶۰۲۱۴ - ۰۲۱ ۸۸۸۹۹۶۸۰

حق هر گونه چاپ و انتشار محفوظ است

مقدمه

گاهی در زندگی هر کداممان اتفاقاتی رقم می خورد که انگار برای اولین بار است با آن روبرو شده ایم و هیچ نصیحت و اندرزی در مورد آن به گوش مان نرسیده است. این اتفاقات، علی الرغم وجود همه ی ده ها داستان و صدها حکایت دررشتی و پلیدی هر یک از آن ها، هر از گاهی، از قدرتی پنهان است که می شود برای آن صدها و هزارها مثال آورد.

دروغ و دروغگویی در سبک ترین آن هاست. و یا غیبت و تهمت، چاپلوسی و حسادت، در جا گویی و نمایی، نفاق و رفاقت، و... و... و... که همگی ما هر ساعت و هر روز گرفتار آنیم.

زاغ و روباه، چوپان دروغگو، سه گاو و حیل از داستان های دیگر، از آن داستان ها و حکایاتی است که در زبان خواندن و شنیدنش، تک تک ما، دهن به تعجب و آسودیم و لب به تحسین گشودیم.

حال آنکه در موقعیت های مشابه، بی توجه به آن ها

همان کاری را می کنیم که در هر یک نهی شده ایم.
 دروغ می گوئیم و تن به چاپلوسی می دهیم. غیبت
 می کنیم و تهمت می زنیم. دو جاگویی و نمایی و
 رفاقتمان را به هیچ می فروشیم.

انگاز تمام این داستان ها و انگاره های آن، برای شنیدن
 است و خواندن و نه بکار بستن.

سه گانه میچان گاوند، داستان سه دوستی است که در
 برخورد با شاق و بیرنگ و درندگی کس یا کسان دیگر، بی
 توجه به حکایتی که می دانند، در پوست گاو فرو می روند
 و طعمه ی گرگ می شوند.

و گرگ با تمام نگویش های که از دستارش شنیده است
 و می داند، همچنان گرگ می ماند و همچنان می دزد.
 داستان نشان و تاکید از ناتوانی حکایت ساز داستان ها در
 مواجهه ی با واقعیت است.

هر کدامیک از آن ها خوانده اند و می دانند که گرگ
 هست و اگر گاو شوند، چه سفید، چه سیاه و چه فهدای
 حتما طعمه ی گرگ می شوند. اما باز هم بنا به دلایلی
 نامعلوم گاو می شوند.